

راهبردهای مقابله‌ای والدین کودکان مبتلا به اختلالات فراگیر تحولی

Parents of Children With Pervasive Developmental Disorders and Their Coping Strategies

N. JalaliMoghadam ✉

H. R. Pouretamad, Ph.D.

B. S. Sedghpor

K. KhoShabi, Ph.D.

N. Chimeh, Ph.D.

نیلوفر جلالی‌مقدم ✉

کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی کودک و نوجوان

دکتر حمیدرضا پوراعتماد

استادیار گروه روان‌شناسی و پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

بهرام صالح صدق‌پور

عضو هیأت علمی دانشگاه شهید رجایی

دکتر کنایون خوشابی

فلوشیپ روان‌پزشکی کودک، استادیار دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

دکتر نرگس چیمه

استادیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

چکیده:

هدف این مطالعه بررسی راهبردهای مقابله‌ای در والدین کودکان مبتلا به اختلالات فراگیر تحولی است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه والدین کودکان مبتلا به اختلالات فراگیر تحولی تحت پوشش مرکز ساماندهی درمان و توانبخشی اختلالات اتیستیک و مرکز اتیسم به‌آرا در تهران می‌باشند.

از این جامعه آماری ۴۳ زوج از والدین به شیوه تصادفی انتخاب شدند. برای گروه گواه، ۴۳ زوج والدین با روش نمونه‌گیری غیرتصادفی از مناطق (۲ و ۶) تهران انتخاب و از نظر سن و تحصیلات خود و سن و جنس فرزندشان با گروه والدین کودکان اتیستیک هم‌تا شدند. پرسشنامه پاسخ‌های مقابله‌ای بیلینگز و موس روی اعضای دو گروه اجرا شد. تحلیل یافته‌ها نشان داد که مادران کودکان دارای اختلالات فراگیر تحولی در مقایسه با مادران کودکان عادی بیشتر از راهبردهای مقابله‌ای مبتنی بر مهار جسمانی استفاده می‌کنند. اما بین سایر راهبردهای مقابله‌ای تفاوت معناداری بین دو گروه مشاهده نشد. به‌طور کلی مادران مورد مطالعه در هر دو گروه، بیشتر از راهبردهای مبتنی بر مهار جسمانی و مهار هیجانی استفاده می‌کنند، در حالی که پدران بیشتر راهبردهای مقابله‌ای مبتنی بر حل مسئله و ارزیابی شناختی را به‌کار می‌برند.

کلیدواژه‌ها: راهبردهای مقابله‌ای، والدین کودکان مبتلا به اختلالات فراگیر تحولی

Abstract

The purpose of this study is to investigate the coping strategies used by parents of children with Pervasive Developmental Disorders (PDD). Parents of 43 children with PDD were selected through random sampling method and matched on age, education, and sex of children as well.

A control group of 43 parents of children without documented physiological/psychological problems were selected using simple sampling method from two districts of Tehran (2 & 6).

All participants were asked to fill in the Coping Responses Inventory (Billings & Moos, 1981). This inventory measures 5 types of coping strategies including appraisal-focused coping (5-items), problem-focused coping (3 items), emotion-focused coping (11 items), somatic-focused coping (9 items) and social support focused coping (4 items). The test-retest reliability coefficient of this inventory is 0.80. Also the reliability of each subscale of this inventory is 0.90 for problem-focused coping, 0.60 for emotion-focused coping, 0.68 for appraisal-focused coping, 0.90 for somatic-focused coping and 0.90 for social support focused coping.

Statistical analyses showed that mothers of children with PDD tend to use more somatic-focused coping strategies. There were no other differences between the two groups. In both groups, father used more appraisal-focused and problem-focused coping strategies, but mothers were somatic-focused and emotion-focused.

Keywords: Coping strategies, Parents of Children with Pervasive Developmental Disorders.

✉Corresponding author: Private Practice

Tel: +9821-22120357

Fax: +9821-22120357

Email: nili_9822@yahoo.com

*نویسنده مسئول: تهران - کوی فراز - بوعلی - بلوک ۴۰۳ - طبقه ۷ - واحد ۱

تلفن: ۰۲۱-۲۲۱۲۰۳۵۷ دوزنما: ۰۲۱-۲۲۱۲۰۳۵۷

پست الکترونیک: email: nili_9822@yahoo.com

بررسی رابطه میان انواع سبک‌های فرزندپروری والدین و بروز علائم
بی‌اشتهایی روانی در دختران نوجوان ۱۴ تا ۱۷ ساله شهر اصفهان

The Relationship Between Parents' Child Rearing Styles
and Incidence of Anorexia Nervosa Among 14-17 Years Old Female
Sdolescents in Isfahan

F. Momeni[✉]

Sh. Amiri, Ph.D.

فرشته مؤمنی[✉]

دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

دکتر شعله امیری

استادیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

Abstract

The aim of the study was to investigate the relationship between child rearing styles and incidence of anorexia nervosa in female adolescents between the age of 14-17 in Isfahan city. The sample of this study was consisting of 53 female adolescents and their parents which were selected through purposeful sampling. The adolescents filled Minnesota Eating Behavior Survey (MEBS) and their parents filled child rearing questionnaire of Baum Rind.

The results firstly showed that there is a significant positive relationship between democratic style of parents and anorexia nervosa among female adolescents. Second, there is a significant negative relationship between authoritarian style of parents and anorexia nervosa between female adolescents. Third, no significant relationship between permissive style of parents and anorexia nervosa was not found in female adolescents. So, we conclude that there is a relationship between child rearing styles and incidence of anorexia nervosa and its subscales in female adolescents.

KeyWords: Child Rearing Styles, Anorexia Nervosa, Adolescence.

چکیده:

هدف از انجام پژوهش شناسایی رابطه میان انواع سبک‌های فرزندپروری و بروز علائم بی‌اشتهایی روانی در دختران نوجوان ۱۴ تا ۱۷ ساله شهر اصفهان بود. نمونه این پژوهش شامل ۵۳ نفر از دختران نوجوان و والدین آنها بودند که از طریق نمونه‌گیری هدفدار انتخاب شدند. ابزارهای به‌کار رفته شامل پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری باوم‌ریند و پرسشنامه سنجش رفتار تغذیه‌ای مینه‌سوتا بوده است. داده‌ها با استفاده از همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج تحلیل آماری داده‌ها نشان داد که بین سبک فرزندپروری قاطع و اطمینان‌بخش والدین با بروز علائم بی‌اشتهایی روانی در دختران نوجوان رابطه منفی معنادار و بین سبک فرزندپروری مستبدانه والدین با بروز علائم بی‌اشتهایی روانی در این آزمودنی‌ها رابطه مثبت معنادار وجود داشت. همچنین رابطه معناداری بین سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه با بروز علائم بی‌اشتهایی روانی مشاهده نشد. بنابراین می‌توان گفت که سبک فرزندپروری والدین نقش مهمی در بروز یا عدم بروز علائم اختلال بی‌اشتهایی روانی و سایر زیرمقیاس‌های آن داشته است. همچنین به نظر می‌رسد که دو سبک قاطع و اطمینان‌بخش و مستبدانه در قیاس با سبک سهل‌گیرانه نقش مهم‌تری در پیش‌بینی بروز یا عدم بروز علائم این اختلال دارند. نتایج بدست آمده بر مبنای نظریه‌ها مورد تبیین قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: سبک‌های فرزندپروری، بی‌اشتهایی روانی، نوجوانی

[✉]Corresponding author: Dept. University of Rehabilitation & Welfare Sciences

Tel: +9821-22180045

Fax: +9821-22180045

Email: momenipsy@gmail.com

[✉] نویسنده مسئول: تهران - بلوار دانشجو - خیابان کودکان - دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی - گروه روان‌شناسی بالینی

تلفن: ۰۲۱-۲۲۱۸۰۰۴۵ دورنما: ۰۲۱-۲۲۱۸۰۰۴۵

پست الکترونیک: email: momenipsy@gmail.com

والدین، نوجوانان، ارزش‌های خانوادگی؛ ترجیح اطاعت یا استقلال

(تحلیل تطبیقی کشورهای منتخب خاورمیانه)

Parents, Adolescents, Familial Values; Preference of Obedience or Independence

(Comparative Analysis of Selected Countries at the Middle East)

E. Khodaii, Ph.D.

A. Medanipori ✉

V. Naghdi

دکتر ابراهیم خدائی

استادیار سازمان سنجش آموزش کشور

علی معدنی پور ✉

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

وحید نقدی

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

Abstract

In contemporary world, especially among the middle east countries which have social disorders and their institutions of socialization act contradictorily, family can have an important role in prevention of internal and external behavior problems. Parenting style in family can be evaluated as a successful parenting style if attends to adolescents' independence besides monitoring them. This article discusses preferences of obedience and independence as two familial values.

The main question is that in which conditions the probability of these preferences will increase or decrease? Used data extracted from the fourth wave of World Value Survey. The 15-24 years old adolescents in the Middle East countries were selected as our samples. Findings show that demographic variables have an important role in preference of obedience, while both of demographic and social variables are important in preference of independence. In addition, we have shown that there are significant differences between different countries in mutual preference of obedience and independence, while the effective variables of these preferences follow the same model in majority of these countries.

Keywords: Family, Adolescent, Friend, Familial value, Independence, Obedience, Middle East, Logistic regression

چکیده:

در جهان امروز به‌خصوص در کشورهایی مثل کشورهای خاورمیانه که از اختلال اجتماعی رنج برده و آژانس‌های جامعه‌پذیری در جهت متضاد عمل می‌کنند، کارکرد درست خانواده می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در پیشگیری از پیامدهای منفی به خصوص مسائل رفتاری درونی و بیرونی داشته باشد. شیوه والدینی که والدین اتخاذ می‌کنند، اگر در عین کنترل کامل، به استقلال شخصیتی نوجوان هم تأکید کند، می‌تواند به‌عنوان یک شیوه والدینی موفق ارزیابی شود.

این مقاله به ترجیح اطاعت و ترجیح استقلال به عنوان دو ارزش مهم خانوادگی از سوی نوجوانان می‌پردازد و به دنبال پاسخ به این سؤال است که تحت چه شرایطی احتمال این ترجیحات افزایش یا کاهش می‌یابد. داده‌ها از پیمایش ارزش‌های جهانی (WVS) و از موج چهارم آن می‌باشد. گروه سنی ۱۵-۲۴ سال کشورهای خاورمیانه به‌عنوان نمونه تحقیق انتخاب شده‌اند. نتایج رگرسیون لجستیک نشان می‌دهد که متغیرهای جمعیت‌شناختی نقش مهم‌تری در کاهش یا افزایش احتمال ترجیح اطاعت از والدین داشته‌اند، در حالی که در مورد ترجیح استقلال متغیرهای جامعه‌پذیری هم اهمیت داشتند. به‌علاوه نشان داده شده است که تفاوت‌های معناداری در ترجیح همزمان اطاعت و استقلال از سوی نوجوانان در بین کشورهای مختلف خاورمیانه وجود دارد، گو این‌که عوامل موثر بر این ترجیحات در اکثر این کشورها تقریباً از یک الگو پیروی می‌کنند.

کلید واژه‌ها: خانواده، نوجوان، دوستان، ارزش‌های خانوادگی، استقلال، اطاعت، خاورمیانه، رگرسیون لجستیک

✉ Corresponding author: Dept. National Educational Assessment Organization
Tel: +9821-29902460
Fax: +9821-22431709
Email: a.madanipour@sbu.ac.ir

✉ نویسنده مسئول: تهران - دانشگاه شهید بهشتی - دانشکده ادبیات و علوم انسانی - گروه جامعه‌شناسی
تلفن: ۰۲۱-۲۹۹۰۲۴۶۰ دورنما: ۰۲۱-۲۲۴۳۱۷۰۹
email: a.madanipour@sbu.ac.ir پست الکترونیکی:

مقایسه رابطه ناتوانی هیجانی و استرس و دلبستگی در زوج‌های در شرف طلاق

A Comparison of Alexithymia, Stress, and Attachment Among Divorcing Couples

M. Hakimjavadi, Ph.D. ✉

M. A. Mazaheri, Ph.D.

M. Gholamali Lavasani, Ph.D.

M. Babarabi

دکتر منصور حکیم‌جوادی ✉

استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان

دکتر محمدعلی مظاهری

دانشیار گروه روان‌شناسی و پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

دکتر مسعود غلامعلی لواسانی

استادیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

مهديه باباربيع

کارشناس مشاوره

Abstract

The purpose of this study was comparison of alexithymia, stress and attachment in divorcing couples. Subjects (119 female, 63 male) were collected from Guilan Family Judicature. The instruments were Toronto Alexithymia Scale (TAS-20, Bressi et al., 1996) Perceived Stress Scale (PSS, Cohen, et al, 1987) and Attachment Styles Questioner (Hazan & Shaver 1987).

Analysis was based on Pearson, poly choric, poly serial correlation, regression analysis, and (MANOVA).

Findings suggest significant relationship between stress & attachment and alexithymia. In addition, secure attachment showed significant relationship with indicator of emotion subscale of alexithymia. In regression analysis three variables of education, stress and ambivalence attachment predicted alexithymia accounting for 32% of variance. There was no significant relationship between gender and perceived stress.

Keywords: alexithymia, stress, attachment, divorce

چکیده:

هدف از پژوهش حاضر مقایسه رابطه ناتوانی هیجانی، استرس و دلبستگی در زوج‌های در شرف طلاق است. تعداد ۱۱۹ زن و ۶۳ مرد در شرف طلاق با استفاده از روش در دسترس در دادگاه خانواده شهر رشت انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل مقیاس ناتوانی هیجانی تورنتو (TAS-20, Bressi et al., ۱۹۹۶)، پرسشنامه فشار روانی ادراک شده (PSS, Cohen, et al, ۱۹۸۷) و پرسشنامه سبک‌های دلبستگی بزرگسالان (هزن و شیور، ۱۹۸۷) بود.

از ضرایب همبستگی پیرسون، پلی‌کوریک و پلی‌سریال و تحلیل رگرسیون چندگانه با حضور ۸ متغیر پیش‌بین جنسیت، سن، استرس، دلبستگی ایمن، اجتنابی، دوسوگرا، میزان تحصیلات و تعداد فرزندان و تحلیل واریانس چندمتغیری (MANOVA) استفاده شد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که استرس با مؤلفه‌های دلبستگی و مؤلفه‌های ناتوانی هیجانی روابط معناداری را نشان می‌دهد. همچنین انواع دلبستگی و مؤلفه‌های ناتوانی در تشخیص عواطف دارای رابطه معنادار است. یافته دیگر پژوهش متوجه متغیرهایی بود که به وسیله آن‌ها ناتوانی هیجانی پیش‌بینی می‌شود. در این تحلیل سه متغیر میزان تحصیلات، استرس و دلبستگی دوسوگرا ۰/۳۲ تغییرات ناتوانی هیجانی را پیش‌بینی می‌کردند. یافته دیگر این تحقیق آن بود که با توجه به استرس‌زا بودن فرآیند جدایی، این استرس در زنان و مردان تفاوت معناداری ندارد.

کلیدواژه‌ها: ناتوانی هیجانی، استرس، دلبستگی، طلاق

✉ Corresponding author: Dept. of Literature and Humanities Sciences, Guilan University, Rasht, Iran
Tel: +98131-6690274
Fax: +98131-6690280
Email: mhakimj@yahoo.com

✉ نویسنده مسئول: رشت - دانشگاه گیلان - دانشکده ادبیات و علوم انسانی - گروه روان‌شناسی
تلفن: ۰۱۳۱-۶۶۹۰۲۷۴ - دورنما: ۰۱۳۱-۶۶۹۰۲۸۰
email: mhakimj@yahoo.com پست الکترونیکی:

رابطه میان تمایز یافتگی خود و هوش هیجانی در متقاضیان طلاق

Correlation Between Differentiation of Self and Emotional Intelligence in Divorce Seeking Couples

M. Mohsenian✉

S. Karamlo

A. Ganjavi

محمد محسنیان✉

دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی کودک دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

سمیرا کرملو

دانشجوی کارشناسی ارشد خانواده‌درمانی پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

آناهیتا گنجوی

دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی کودک دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

چکیده:

این پژوهش با هدف بررسی رابطه میان تمایز یافتگی خود و هوش هیجانی در افراد مراجعه‌کننده به مراکز قضایی و افراد مایل به ادامه زندگی مشترک در شهر تهران انجام گرفته است. نمونه مورد پژوهش شامل ۶۱ نفر از مراجعه‌کنندگان به مراکز قضایی و ۶۱ نفر از افراد مایل به ادامه زندگی مشترک که با استفاده از شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند، می‌باشد. هر دو گروه به پرسشنامه تمایز یافتگی خود و هوش هیجانی پاسخ دادند.

نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که تفاوت معناداری میان گروه آزمایش و گواه در مورد هوش هیجانی و تمایز یافتگی خود ($P < 0.001$) وجود دارد. افراد گروه گواه دارای هوش هیجانی و تمایز یافتگی بالاتری نسبت به افراد گروه آزمایش بودند. براساس تحلیل نتایج رگرسیون به شیوه گام به گام می‌توان مؤلفه جدایی عاطفی در متقاضیان طلاق ($R^2 = 13\%$) و متغیرهای واکنش هیجانی، جایگاه من و جدایی عاطفی در افراد عادی ($R^2 = 28\%$) را به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین برای هوش هیجانی تلقی کرد.

کلیدواژه‌ها: تمایز یافتگی خود، هوش هیجانی، سازگاری زناشویی

Abstract

The present research is aimed to study the relation between differentiation of self and emotional intelligence, and is conducted among individuals referring to judicial centers and those who tend to continue their marital life. The sample of the following research consist of 61 individuals referring to judicial centers and 61 individuals who tend to continue their marriage.

Both groups completed differentiation of self Inventory and Emotional intelligence scale. The results indicate significant differences between experimental and control groups in emotional intelligence and differentiation ($p < 0.001$).

Emotional Intelligence and differentiation scores were significantly higher in control group. According to the results of regression analysis, differentiation of self, I position, and Emotional cutoff could be considered as predictive variables for emotional intelligence.

Key Words: self-differentiation, emotional intelligence, marital satisfaction

✉Corresponding author: Dept. Psychology department Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.
Tel: +9821-6696809
Email: m.mohsenian@gmail.com

✉نویسنده مسئول: تهران - بزرگراه فتح - خیابان شهید عبدالهی - روبروی بیمارستان شریعت رضوی - جنب کوچه مقدم - پلاک ۴
تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۶۸۰۹
پست الکترونیک: email: m.mohsenian@gmail.com

روش دلفی در پژوهش‌های خانواده‌درمانی و زوج‌درمانی (مفاهیم و کاربردها)

The Delphia Method in Marriage and Family Therapy (Concepts & Applications)

M. Dehghani, Ph.D.✉

✉ دکتر محسن دهقانی

استادیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

M. Abasi

مریم عباسی

دانشجوی کارشناسی ارشد خانواده‌درمانی پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

چکیده:

یکی از بزرگ‌ترین انتقاداتی که در حوزه پژوهش‌های خانواده و زوج‌درمانی (MFT) مطرح می‌شود فقدان تعاریف، مفاهیم، و پروتکل‌های درمانی مشخص و دقیق است. اگرچه روش تحقیق دلفی می‌تواند روش مناسبی برای پاسخ به این خلاء باشد، اما پژوهش‌های اندکی در حوزه خانواده‌درمانی و زوج‌درمانی با استفاده از این روش وجود دارند. این در حالی است که روش تحقیق دلفی برای کمک به حوزه‌هایی که در آنها سردرگمی روش‌شناختی وجود دارد توصیه شده است. این مقاله کاربرد مطالعات دلفی در کمک به حل این مسئله را در حوزه‌های خانواده و زوج‌درمانی مورد بحث قرار می‌دهد. هم‌چنین در این مقاله توصیفی از روش تحقیق دلفی و بحثی درباره سابقه مطالعات دلفی که در حوزه خانواده‌درمانی و زوج‌درمانی انجام شده‌اند، به همراه پیشنهاداتی برای استفاده از این روش در حوزه خانواده درمانی و زوج‌درمانی ارائه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: روش تحقیق دلفی، خانواده‌درمانی، زوج‌درمانی

Abstract

Lack of clear and concise definitions, concepts, and treatment protocols in the field of marriage and family therapy research has been criticized frequently. Given this, the field of marriage and family therapy would benefit from a helpful research methodology that could shed light on areas of conflict; very few studies based on this method have been carried out. This paper argues that application of Delphi studies would serve to address the issue.

A description of Delphi methodology and its application in marriage and family therapy research literature are presented.

Nineteen years of research (1988-2007) has been reviewed and based on the evidence, advantages, disadvantages, and some guidelines of Delphi method are discussed.

Keywords: Delphi methodology, marriage therapy, family therapy

✉Corresponding author: Family Research Institute, Shahid Beheshti University.
Tel: +9821-22431814
Fax: +9821-29902368
Email: m.dehghani@sbu.ac.ir

✉ نویسنده مسئول: تهران - دانشگاه شهید بهشتی - پژوهشکده خانواده
تلفن: ۰۲۱-۲۲۴۳۱۸۱۴ دورنما: ۰۲۱-۲۹۹۰۲۳۶۸
پست الکترونیک: email: m.dehghani@sbu.ac.ir

An Investigation on Validity and Reliability of Revised Family Communication Patterns Instrument

M. Koroshnia, M.A[✉]

M. Latifian, Ph.D

مریم کوروش‌نیا[✉]

دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شیراز

دکتر مرتضی لطیفیان

دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شیراز

Abstract

Family communication patterns during the last three decades have driven many investigations in various fields and cultures. The main part of these studies have used the Revised Family Communication Patterns (RFCP) instrument. Therefore the purpose of this study was to investigate the validity and reliability of RFCP in Iran. To pursue this aim 326 (161 female and 165 male) students were selected by multistage random cluster sampling method from second and third highschool students of Shiraz city. Participants completed RFCP. Findings showed that there was a positive relationship between RFCP and

Parentchild Bonding Instrument (PBI) which provided evidence to support the criteria validity of the RFCP. Principal component factor analysis was also used to evaluate the construct validity of the instrument. The results showed that two factors of conversation orientation and conformity orientation could be extracted.

The RFCP showed a good internal consistency and acceptable test-retest reliability as well as Cronbach alpha coefficient. In sum, the psychometric properties of RFCP suggest that the instrument can be used as a valid and reliable scale for Iranian students.

Keywords: Revised Family Communication Patterns instrument, validity and reliability.

چکیده:

به طور کلی الگوهای ارتباطات خانواده در طول سه دهه گذشته تحقیقات بسیاری را در زمینه‌های گوناگون و در فرهنگ‌های مختلف برانگیخته‌اند. این در حالی است که بخش عمده این تحقیقات با استفاده از ابزار تجدیدنظر شده الگوهای ارتباطات خانواده صورت گرفته است. هدف از این مطالعه بررسی روایی و پایایی این ابزار در ایران بود. به این منظور ۳۲۶ دانش‌آموز (۱۶۱ دختر و ۱۶۵ پسر) پایه‌های دوم و سوم دبیرستان‌های شهر شیراز ابزار مورد نظر را تکمیل کردند. بررسی روایی ملاکی این ابزار نشان داد بین ابزار تجدیدنظر شده الگوهای ارتباطات خانواده و ابزار پیوند والد - فرزندی همبستگی وجود دارد.

نتیجه تحلیل عامل محتوای این ابزار به شیوه مؤلفه‌های اصلی استخراج دو عامل جهت‌گیری گفت و شنود و جهت‌گیری هم‌نوایی بود.

بررسی همسانی درونی نشان داد سؤالات مربوط به هر عامل با نمره کل آن عامل بیشترین همبستگی معنادار را دارند. همچنین بین نمرات مربوط به هر عامل و نمره کل نیز همبستگی معناداری وجود داشت. بررسی پایایی این ابزار به روش محاسبه ضریب آلفای کرونباخ و شیوه آزمون بازآزمون حاکی از پایایی این ابزار بود. در مجموع، نتایج نشان داد ابزار تجدیدنظر شده الگوهای ارتباطات خانواده از ویژگی‌های روان‌سنجی مناسبی برخوردار است و می‌تواند به عنوان ابزاری روا و پایا در مورد دانش‌آموزان ایرانی به کار برده شود. **کلیدواژه‌ها:** ابزار تجدیدنظر شده الگوهای ارتباطات خانواده، روایی و پایایی.

[✉]Corresponding author: Dept. of Psychology, S-hiraz University Shiraz, Iran
Tel: +98711-6278687
Fax: +98711-3286441
Email: m-koroshnia@rose-shirazu.ac.ir

[✉] نویسنده مسئول: شیراز - خیابان ارم - کوی دانشگاه شیراز - دانشگاه شیراز - دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی
تلفن: ۰۷۱۱-۶۲۷۸۶۸۷ دورنما: ۰۷۱۱-۳۲۸۶۴۴۱
پست الکترونیکی: